



## حماسه آفرینی جنبش دانشجویی از ۲۷ شهریور تا ۱۶ آذر



۱۶ آذر دیگری در راه است، متمایز از تمام ۱۶ آذرهای پیشین، حتی آذرماه سال ۹۸ که دانشجویان دانشگاه‌ها با رادیکال‌ترین شعارها، ظاهر شدند.

امسال ۱۶ آذر در حالی فرارسیده است که امواج بزرگ جنبش توده‌ای سراسر ایران را فرا گرفته و جنبش دانشجویی در این مبارزات نقشی پیشگام را بر عهده گرفته است. دهها هزار دانشجو در طول یازده هفته گذشته پیوسته یا متناوب در حال

در صفحه ۳

## اعتصابات سراسری پای دوم جنبش انقلابی



اعتصاب سراسری رانندگان و کامیون داران که از روز پنجم آذر شروع شده تا به امروز ۱۳ آذر ادامه یافته و دهها شهر را در بر گرفته است. با این اعتصاب سراسری که فراخوان آن را " اتحادیه تشکلهای کامیون داران و رانندگان سراسر ایران" در ۸ / ۱ / ۱۴۰۱ صادر کرده بود، حملونقل کالا از بندر عباس و بندر "امام خمینی" که بزرگترین بندر ورود کالا هستند متوقف شد و پایانه‌های حملونقل بار در بسیاری شهرها نیز توقوف و تعطیل شده‌اند. چهار سال بعد از ۳ اعتصاب سراسری و بزرگ رانندگان و کامیون داران در سال ۹۷ که تمام سیستم حملونقل کالا را فلج ساخت، رانندگان زحمتکش و کامیون داران بار دیگر پا به عرصه یک مبارزه متشکل و سراسری گذاشته‌اند تا حق خود را از پامال‌کنندگان آن بستانند. این بار اما این زحمتکشان در شرایطی وارد یک اعتصاب سراسری شده‌اند که سراسر کشور در تپوتاب یک انقلاب و دگرگونی بنیادی نظم موجود می‌سوزد. بنابراین نفس اعتصاب رانندگان و کامیون داران آن‌هم در مقیاس سراسری، هم از جنبه تأثیرات امیدبخش و تقویت‌کننده اعتراضات خیابانی و خیزش‌های شهری و هم از نظر تأثیرات آن بر گسترش اعتصابات به‌ویژه اعتصابات کارگری، حائز اهمیت جدی است. خصوصاً آنکه فراخوان دهندگان اعتصاب سراسری، هدف و خواست‌های خویش را نیز به‌وعی با اهداف و مطالبات جنبش انقلابی که نزدیک به ۸۰ روز، تمام فضای سیاسی جامعه را تسخیر نموده گرده‌اند و از آن حمایت کرده‌اند.

در صفحه ۲

## "این آخرین پیامه، اعدام کنید پیامه"

در صفحه ۱۰

## فروپاشی رژیم به روایت اسناد پشت پرده نظام

خود در دوران حیات ننگین جمهوری اسلامی رسیده است. در عرصه سیاسی، اقتدار رژیم در ابعاد داخلی و بین‌المللی بکلی فرو ریخته است. علاوه بر بحران سیاسی، بحران ایدئولوژیک نیز بر گلوی رژیم چنگ انداخته است. ابعاد فروپاشی ایدئولوژیک و اقتدار سیاسی رژیم تا بدان حد رسیده است که نه تنها توده‌های مردم ایران از سیطره هژمونی سیاسی- ایدئولوژیک رژیم خارج شده‌اند، بلکه بر اساس اسناد سری منتشر شده، دامنه بحران موجود به درون دستگاه‌های سرکوب نظام هم رسیده است.

سیر شتابناک حوادث انقلابی، تداوم مبارزات قهرمانانه توده‌های مردم ایران، گسترش

در صفحه ۵

بحران فروپاشی، سراپای رژیم را فرا گرفته است. ابعاد این بحران، آنچنان ژرف و عمیق است که صدای آن حتی از درون نظام هم به گوش می‌رسد. ناتوانی هیئت حاکمه در پاسخگویی و حتی تعدیل بحران‌های ژرف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود، آنچنان مشهود است، که دولت در وضعیتی کاملاً انفعالی تنها نظاره‌گر تشدید بحران و گسترش وسیعتر آن در تار و پود نظام است.

در عرصه اقتصادی شیرازه اوضاع بکلی از هم گسیخته است. بودجه سال جاری با کسری چندصد هزار میلیارد تومانی مواجه است. گرانی و بیکاری بیداد می‌کند، فقر و فلاکت تمام جامعه را فرا گرفته است. ارزش دلار به بالاترین سطح

## گزارش اجلاس حضوری نمایندگان نیروهای شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست نوامبر ۲۰۲۲

در صفحه ۷

## شنبه‌های انقلاب

در صفحه ۹

## اعتصابات سراسری پای دوم جنبش انقلابی



سیستم حمل و نقل بار را فلج کند و تأثیرات انکارناپذیر آن بر صنایع و اقتصاد کشور، بحران رکود تورمی را تشدید خواهد کرد، یقیناً دولت را وادار خواهد کرد اعتصاب و اثرات آن را ببینند. به ویژه اینکه بیش از ۹۰ درصد کالاها توسط کامیون‌ها جابه‌جا می‌شوند. ناوگان حمل و نقل جاده‌ای از ۳۰۰ هزار نفر در سال ۸۵ هرساله به‌طور متوسط ۵۰ هزار نفر اضافه‌شده و در سال ۹۷ به ۵۹۰ هزار نفر رسید. اگر همین روال در سالهای بعد نیز ادامه یافته باشد تعداد رانندگان ناوگان حمل و نقل جاده‌ای باید به بیش از یک میلیون نفر رسیده باشد. بنابراین اگر رانندگان و کامیون داران متحد باشند، قطعاً می‌توانند دولت را نیز به عقب‌نشینی و پذیرش خواست‌های خود وادار کنند.

البته دولت و عوامل آن در شرکت‌های حمل و نقل کالا به‌رغم انکار اعتصاب، از همان روز اول اعتصاب به حربه تهدید و ارباب متوسل شده و سعی کرده‌اند بین اعتصابیون نفاق و دودستگی ایجاد کنند. اما رانندگان و کامیون داران نیز آگاهی و هوشیاری خود را افزوده‌اند و اجازه نخواهند داد ارتجاع حاکم به اهداف سرکوب گرانه خود برسد. در اعتصابات سراسری سال ۹۷، دستگاه حکومتی با حداکثر خشونت و سرکوب به رانندگان پاسخ داد. دادستان کل رژیم رانندگان را راهزن (قطاع الطريق) خواند و رهبران اعتصاب را به اعدام تهدید کرد. سران دستگاه قضایی و فرماندهان ارشد نیروی انتظامی رانندگان را به مجازات‌های شدید و اعدام تهدید کردند و در یک‌کلام دولت حاکم در قبال سه اعتصاب بزرگ و سراسری رانندگان و کامیون داران که به‌شدت از عواقب آن ترسیده بود، به قهر و خشونت علیه اعتصابیون و سازمان دهندگان اعتصابات متوسل شد و بیش از ۱۸۰ تن از رانندگان را بازداشت و روانه زندان کرد.

در صفحه ۶

توده‌ای. مضمون بیانیه " اتحادیه تشکل‌های کامیون داران و رانندگان سراسر ایران" گویای این واقعیت است که در شرایط انقلابی موجود، خارج از اراده اقلت مختلف مردم زحمتکش، در لیست مطالبات، خواست‌های سیاسی جایگاه مهم و ویژه‌ای دارند، هدف مشترکی آن‌ها را به هم نزدیک می‌کند، جویبارهای مبارزه را به کانال واحدی می‌راند، انرژی‌ها و ظرفیت‌های مبارزاتی را متمرکز و به سمت معینی هدایت می‌کند.

در بیانیه " اتحادیه تشکل‌های کامیون داران و رانندگان سراسر ایران" گرچه به‌طور مشخص از خواست‌های صنفی اعتصاب‌کنندگان نام برده نشده است اما این خواست‌ها تقریباً همان خواست‌هایی هستند که در اعتصابات سراسری پیشین عنوان شده‌اند؛ افزایش نرخ کرایه حمل و نقل، افزایش دستمزد رانندگان، افزایش حقوق بازنشستگی، حق سختی کار، بهبود وضعیت بیمه، توزیع لاستیک و قطعات یدکی با نرخ دولتی، حذف واسطه‌ها و دلال‌ها از پایانه‌های باربری، کاهش عوارض راه و مانند آن. در عین حال سهمیه دو هزار لیتری گازوئیل کامیون داران با نرخ دولتی، حذف‌شده و به‌جای آن به هر کارت سوخت، بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ لیتر سهمیه واریزی شود که مورد اعتراض شدید رانندگان و کامیون داران است.

از میان تمام این خواست‌ها که در سه اعتصاب سراسری خرداد، مرداد و مهر سال ۹۷ نیز مطرح شده بود، تنها نرخ کرایه، آن‌هم فقط ۲۰ درصد اضافه شد که در مقایسه با افزایش قیمت‌ها و نرخ تورم حتی در همان سال نیز رقم بسیار ناچیزی بود. خواست اعتصاب‌کنندگان، افزایش حداقل ۷۰ درصد نرخ حمل و نقل کالا است.

اعتصاب سراسری رانندگان و کامیون داران که از پنج آذر شروع شده، در روزهای بعد گسترش بیشتری یافته است. علی‌رغم این، رئیس پایانه " بندر امام خمینی"، برخی مقامات دولتی و تشکل‌های حکومتی از نمونه " کانون انجمن‌های صنفی رانندگان ناوگان حمل کالای سراسر کشور" در آغاز، این اعتصاب را به‌کلی انکار کردند. اما اتحاد و استمرار اعتصاب که می‌تواند کل

در بیانیه " اتحادیه تشکل‌های کامیون داران و رانندگان سراسر ایران" ضمن اشاره کوتاه به معضلات و مشکلات رانندگان و کامیون داران و اعتراضات و اعتصابات که گوش شنوایی برای آن پیدا نشده، بر این موضوع تأکید شده که در شرایط حاضر و در برابر آنچه بر رانندگان و کامیون داران می‌رود، جایی برای " سکوت" نیست و به هیچ وجه نباید تسلیم وضع موجود شد. بیانیه تأکید می‌کند که " باید بلند شویم و حق‌خواهی‌مان را دیگر بار با اعتصاب و اعتراض خودمان به همه اعلام کنیم." بیانیه " اتحادیه تشکل‌های کامیون داران و رانندگان سراسر ایران" اگرچه بسیار کوتاه است، اما وزن سیاسی آن بسیار چشمگیر و بالاست. این بیانیه صرفاً به مسائل صنفی و مشکلات خاص این قشر خلاصه نمی‌شود بلکه مستقیماً وارد موضوعاتی شده که کل جامعه درگیر آن است. در بیانیه گفته شده " ما چطور می‌توانیم با این مشکلات سازش کنیم



در حالی که الان تمام مردم برای حق‌خواهی بلند شده‌اند. این یعنی آنکه رانندگان و کامیون دارانی که دست به اعتصاب زده‌اند نیز از توده مردم و مبارزان کف خیابان که علیه نظم حاکم به پا خاسته‌اند و دیگر حاضر به تحمل وضع موجود نیستند و عزم خویش را برای سرنگونی رژیم جزم کرده‌اند جدا نیستند. بیانیه می‌نویسد " ما چطور می‌توانیم در برابر مظلومیت همکارانمان و سایر مردم در کردستان در بلوچستان در ایزد و سایر شهرهای در خون تپیده آرام باشیم. پس بیایید همراه با همه مردم، فریاد اعتراض و اعتصاب و حق‌خواهی‌مان را برسانیم." و این یعنی یک بیانیه رادیکال در همراهی با توده‌های مردم زحمتکش به پا خاسته و دفاع و حمایت تمام‌عیار از قیام‌های شهری، نبردهای خیابانی و اشکال رادیکال مبارزات

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**

## حماسه آفرینی جنبش دانشجویی از ۲۷ شهریور تا ۱۶ آذر



دیگر صنف‌ها به فراخوان اعتصاب سراسری پیوسته و از شرکت در کلاس‌های مجازی خودداری می‌کنیم.

همچنین از تمامی فعالین دانشجویی، شوراهای صنفی و دیگر نهادهای دانشجویی دعوت می‌کنیم که به این اعتصاب بپیوندند.

تاریخ مبارزه، به کودکان ما که بسیاری‌شان پیش از آمدن به دانشگاه، سینه بر خاک می‌سایند، آموخته که «نباید ترسید»؛ امروز به خیابان نگاه کنیم، بار دیگر این درس را مشق می‌کنند: «راه که بیفتیم ترسمان می‌ریزد». «مبارزه، اتحاد، پیروزی»

اعتصابات و اعتراضات دانشجویی در ۹ مهر به یک اعتصاب سراسری تبدیل شد. تعداد دانشگاه‌هایی که فراخوان اعتصاب داده بودند از ۱۱۰ دانشگاه نیز فراتر رفت. جمهوری اسلامی نیز با گسیل گله‌های مزدور سرکوبگر و هجوم به محوطه دانشگاه و پرتاب گاز اشک‌آور در برخی از دانشگاه‌ها همچون تهران، اصفهان و تبریز تعدادی از دانشجویان را بازداشت کرد. «دانشجو، کارگر/ اتحاد، اعتصاب»، «مرگ بر ستمگر/ چه شاه باشه چه رهبر»، «از زاهدان تا تهران/ خونین تمام ایران»، و «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» از جمله شعارهای دانشجویان در این روز بود.

یورش وحشیانه سگ‌های زنجیری رژیم دردم مهرماه به دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، خشم و اعتراض گسترده‌ای را نه فقط در میان دانشجویان بلکه مردم مبارز در سراسر ایران برانگیخت. مردم تهران برای دفاع از دانشجویان تا نیمه‌های شب در اطراف دانشگاه تجمع کردند. تعدادی زیادی از دانشجویان طی یورش مزدوران سرکوبگر، مصدوم و دستگیر شدند. اقدام وحشیانه رژیم علیه دانشجویان صنعتی شریف در واقع مقدمه یک یورش گسترده به دانشگاه‌های دیگر بود که این نیز با شکست رویبرو شد. در پی این وحشی‌گری، دانشجویان دانشگاه‌های دیگر در همبستگی با دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف مبارزه را تشدید کردند و اعتراضات دانشجویی در سراسر کشور گسترده‌تر شد.

همزمان با اعتصاب سراسری، دانشجویان دانشگاه‌هایی که در اعتصاب حضور یافتند، با صدور بیانیه‌هایی مطالبات خود را نیز مطرح کردند. جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در بیانیه خود نوشتند:

«برای تمام آنان که صدایمان بودند»

داد. ده‌ها دانشجو مصدوم و گروهی بازداشت شدند. با این وجود مبارزات دانشجویان بی وقفه ادامه یافت. هنگامی که رژیم دریافت، سرکوب کارساز نیست، تصمیم به تعطیلی دو هفته‌ای دانشگاه‌های تهران و برخی دانشگاه‌های دیگر و غیرحضور و مجازی شدن کلاس‌های درس گرفت تا از تجمع دانشجویان در دانشگاه جلوگیری کند. مقاومت دانشجویان، نتیجه‌ای معکوس برای رژیم به بار آورد. دانشجویان نمانند محیط دانشگاه را ترک نکردند، بلکه با اعلام اعتصاب عمومی این طرح رژیم را نیز با شکست رویبرو ساختند.

روز دوم مهرماه، دانشجویان دانشگاه تهران با شعار مرگ بر دیکتاتور، اعتراضات خود را تعرضی‌تر از قبل ادامه دادند. در تجمع روز دوم مهر، واحدهای ضد شورش رژیم به سرکوب شدیدتری متوسل شدند. با شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای و ضربات باطوم تعداد زیادی از دانشجویان را مصدوم و مجروح ساختند و تعداد دیگری از دانشجویان بازداشت شدند. در همین روز دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه شیراز و برخی دانشگاه‌های دیگر موردمحمله وحشیانه نیروهای سرکوب قرار گرفتند. اما این وحشی‌گری نیروهای سرکوب رژیم نتوانست مانع از تداوم مبارزات دانشجویی گردد. برعکس، دانشجویان را در برپائی اعتصابات ادامه‌دار، مصمم‌تر ساخت.

روز ۴ مهرماه «فعالین صنفی دانشگاه تهران» با صدور بیانیه‌ای پرشور خطاب به تمامی دانشجویان، اساتید و کارکنان آزادی‌خواه فراخوان برپائی اعتصاب سراسری را صادر کردند و از جمله نوشتند:

«امروز چگونه می‌توانیم در کلاس‌های دانشگاه شرکت کنیم؟ برای آموختن چه چیزی؟ امروز که «خیابان‌ها غرق خون» است. خواهرانمان، برادرانمان و هم‌کلاسی‌هایمان را ربوده‌اند و می‌ربایند، کشته‌اند و می‌کشند؛ امروز که سراسیمه و با وا همه از یکی شدن دانشگاه و خیابان، درهای دانشگاه را که رو به خیابان بود به روی ما بسته‌اند تا این بار عریان و بی‌پرده جولانگاه نیروی حراست و امنیتی شود؛ امروز که رد تاریخ بر خیابان است، تاریخ مبارزه با ستم، شوریدن علیه تباہی، جنگ با «فقر و فساد و بیداد» برای «نان، کار، آزادی و پوشش اختیاری»

امروز که فریاد «نه روسری، نه توسری» از تاریخ سر برآورد و با آمیختن با فریاد کنونی «آزادی و برابری»، راه آینده را نوید می‌دهد؛ امروز که خیابان، نماد مبارزه را، «ژینا» را، زن را، زندگی را، آزادی را، چشم در چشم تباہی حاکم فریاد می‌زند.

ما از خود، از شما می‌پرسیم؛ تاریخ از ما، از شما می‌پرسد: شرکت در کلاس دانشگاه چه معنایی دارد؟ تاریخ نظاره‌گر ماست؛ کدام سمت ایستاده‌ایم؟

ما به خواست سرکوب برای شرکت در کلاس‌های مجازی امنیتی، می‌گوییم «نه!»...

در میانه‌ی این شکوه مبارزه و همبستگی، ما جمعی از فعالین صنفی دانشگاه تهران، در کنار

نبرد با رژیم دیکتاتوری و ستمگر حاکم بر ایران بوده‌اند. دانشجویان در متجاوز از ۱۵۰ دانشگاه به اعتصاب، تجمع و تظاهرات روی آورده‌اند. اعتصابات دانشجویی اخیر از ۲۷ شهریورماه آغاز شد. دانشگاه تهران که همواره در طول تاریخ جنبش دانشجویی ایران نقشی برجسته و پیشگام داشته است، در جنبش اخیر نیز نخستین دانشگاهی بود که پرچم اعتراض به قتل مهسا امینی را بلند کرد. یک روز پس از مراسم خاکسپاری مهسا در سقز، دانشجویان هنرهای زیبای دانشگاه تهران با تعطیل کلاس‌ها، تجمع و تظاهرات برپا کردند و دانشجویان دانشکده‌های دیگر را به اعتصاب و تظاهرات فراخواندند. روی شعارنوشته‌هایی که دانشجویان با خود حمل می‌کردند، نوشته شده بود: «ژینا نمردی / نامت رمز می‌شود». بهرغم موانع و سرکوبگری‌های حراست و بسیج، این تظاهرات ادامه یافت. دانشجویان، شعارهای «زن، زندگی آزادی» «از کردستان تا تهران / خونین تمام ایران» سر دادند و سرود «همراه شو عزیز، همراه شو عزیز- تنها نمان به درد، کاین درد مشترک هرگز جداجدا، درمان نمی‌شود» را خواندند. در پی آن اعتراض، اعتصاب و تظاهرات به سرعت مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور را فراگرفت. با گسترش اعتراضات به دیگر دانشگاه‌ها، شعارها نیز رادیکال‌تر شد.

شعار «مرگ بر دیکتاتور»، «می‌کشم می‌کشم / هر آنکه خواهرم کشت» «ما همه مهسا هستیم/ بجنگ تا بچنگیم» «از سقز تا تهران/ مرگ بر ظالمان»، «از کردستان تا تهران/ خونین تمام ایران»، «لحظه‌به‌لحظه گویم/ زیر شکنجه گویم/ یا مرگ یا آزادی»؛ «فقر و فساد و بیداد/ مرگ بر این استبداد» از شعارهای دانشجویان سراسر کشور بود. اما در شرایطی که جنبش دانشجویی اعتلا می‌یافت و تظاهرات توده‌ای در بسیاری از شهرها برپا شده بود، دانشجویان برای مقابله با باوسرانی جریان‌های مرتجع و بلندگوهای تبلیغاتی آن‌ها که در تلاش برای بدیل سازی بودند، شعار «مرگ بر ستمگر/ چه شاه باشه چه رهبر» را نیز به میان کشیدند که به‌زودی تبدیل به شعاری عمومی در تظاهرات و نبردهای خیابانی شد. گسترش مبارزات دانشجویی، محرکی برای آمدن توده‌های مردم سراسر ایران، به‌ویژه زنان، جوانان و دانش‌آموزان به خیابان‌ها، همراه با به آتش کشیدن روسری‌ها، نمادهای رژیم، پاره کردن و لگدمال عکس‌های خمینی و خامنه‌ای و به زیر کشیدن آن‌ها از کلاس‌های درس مدارس بود. در تظاهرات توده‌ای و نبردهای خیابانی، در بسیاری از شهرهای ایران، زنان نقش برجسته‌ای در برپائی، تداوم و شریب تظاهرات را بر عهده گرفتند.

جمهوری اسلامی هنوز بر این پندار بود که با سرکوب، دستگیری، اخراج و تعطیل دانشگاه‌ها می‌تواند این موج جدید جنبش دانشجویی را مهار کند. از این‌رو، سرکوب گسترده دانشجویان را از ۲۰ شهریورماه با حمله بسیجیان و دیگر واحدهای سرکوب و امنیتی به دانشجویان دانشگاه تهران و کوی دانشگاه آغاز کرد. هم‌زمان حمله به تعداد دیگری از دانشگاه‌ها را سازمان

## حماسه آفرینی جنبش دانشجویی از ۲۷ شهریور تا ۱۶ آذر



و بازداشت ده‌ها دانشجو، دو تن از اساتید دانشگاه کردستان هم، بازداشت شدند. در دانشگاه آزاد سنجند نیز، دانشجویان با شعارهای مشابهی آزادی زندانیان سیاسی را خواستار شدند.

بر طبق آخرین گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، تعداد دانشجویان بازداشتی تاکنون به ۵۸۴ نفر رسیده است. ۱۴۳ دانشگاه به اعتراضات سراسری پیوسته‌اند. صدها دانشجو نیز تعلیق و تعداد بسیاری هم ممنوع‌الورود شده‌اند. این وظیفه‌ای بسیار مهم در برابر دانشجویان و عموم مردم ایران است که برای آزادی دانشجویان از زندان‌های رژیم ستمگر جمهوری اسلامی تلاش کنند.

با تمام وحشی‌گری رژیم ستمگر حاکم بر ایران، جنبش دانشجویی اما همچنان استوار و قدرتمند ایستاده و به مبارزه خود ادامه می‌دهد. بی‌نتیجه ماندن شیوه‌های سرکوب مختلفی که جمهوری اسلامی برای مقابله با این جنبش در پیش گرفت، به‌وضوح نشان می‌دهد که رژیم قادر به مهار این جنبش نیست. گذشته از این‌که جنبش دانشجویی ایران همواره یکی از جنبش‌های پیگیر در مبارزه علیه رژیم‌های دیکتاتوری حاکم بر ایران بوده و حتی کشتار و تعطیل دانشگاه‌ها در سال ۵۹ نیز نتوانست سنت مبارزاتی این جنبش را در هم شکنند، این جنبش امروز در شرایطی در برابر رژیم قد علم کرده و محکم و استوار ایستاده است که جامعه ایران با یک بحران سیاسی عمیق و سراسری روبه‌روست که نفرت و انزجار همگانی از رژیم و اعتلای روزافزون مبارزات توده‌ای برای سرنگونی آن، یکی از ویژگی مهم این بحران سیاسی است. جنبش دانشجویی در چنین شرایط سیاسی است که پیگیرانه به مبارزه ادامه داده است. ابتکار عمل دانشجویان رادیکال و چپ در مرحله کنونی جنبش، یک عامل مهم در تقویت جنبش دانشجویی بوده است. چراکه پیروزی جنبش دانشجویی را درگرو همبستگی و اتحاد آن با توده‌های میلیونی کارگر و زحمتکش سراسر ایران اعلام کرده است. از همین رو در تمام بیانه‌ها و شعارهای این جنبش، نه‌فقط از مطالبات دانشجویی، بلکه از مطالبات توده‌های کارگر و زحمتکش نیز دفاع شده است. شعارهای "دانشجو، کارگر/ اتحاد، اعتصاب"، "کار، نان و آزادی"، "آزادی و برابری"، "فقر و فساد و بیداد/ مرگ بر این استبداد"، "برای نان، کار، آزادی و پوشش اختیاری" از این نمونه‌اند. این جنبش به‌رغم تمام تلاش‌های سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم، مهار شدنی نیست و نقش مهمی در سرنگونی رژیم ارتجاعی و ستمگر حاکم بر ایران بر عهده خواهد داشت. بی‌تردید با نزدیک شدن ۱۶ آذر که نماد ایستادگی، مقاومت و مبارزه جنبش دانشجویی است، باید در انتظار حماسه‌آفرینی دیگری از این جنبش و مبارزات آن باشیم.

بلوچستان (زاهدان)، خروش همبستگی دانشجویان با مردم سرکوب‌شده بلوچ با شعار "ما همه ایرانییم، مثل بلوچستانیم" طنین‌افکن شد. در دانشگاه اصفهان، کیوسک حراست به تصرف دانشجویان درآمد. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، با شعار "هیز تویی / هرزه تویی / مقصد بی‌شرف تویی"، به اراجیف عناصر حکومتی که دانشجویان را به بی‌بندوباری متهم کرده‌اند، پاسخ دادند. در دانشگاه مشهد، بنرهای خمینی و خامنه‌ای به آتش کشیده شد. دانشجویان دانشگاه چمران اهواز، با شعار "زن، زندگی، آزادی" یاد مهسا را گرامی داشتند. در دانشگاه تبریز، دانشجویان با شعار "ننگ ما ننگ ما / رهبر الدنگ ما" خشم خود را بر سر خامنه‌ای جلا فروریختند. در دانشگاه دخترانه الزهرای تهران، دانشجویان با سردادن شعارهایی نظیر "نه روسی نه توسی / آزادی و برابری" و "زن آزاده منم / هرزه تویی، هیز تویی" روسی از سر برداشتند. در دانشگاه الزهرای مشهد نیز دانشجویان با شعار "آزادی، آزادی، آزادی"، روی سکو ایستادند و حجاب از سر بر گرفتند. وسعت اعتراض در دانشکده زبان دانشگاه تهران، دانشگاه علوم و تحقیقات و دانشکده تربیت‌بدنی، آن‌چنان گسترده بود که نیروهای امنیتی با ورود به محیط دانشگاه به سمت دانشجویان، گلوله و گاز اشک‌آور شلیک کردند. مبارزات دانشجویان اما به اشکال مختلف در تمام روزهای آبان ماه ادامه یافت.

در پی لشکرکشی نظامی و سرکوب خونین مردم شهرهای کردستان توسط نیروهای مسلح رژیم، از اوایل آذر ماه، دانشجویان چندین دانشگاه با برپایی تجمعات و تظاهرات با مردم کردستان اعلام همبستگی و کشتار رژیم را محکوم کردند. روز پنجم آذرماه، دانشجویان در ده‌ها دانشگاه کشور از جمله دانشگاه‌های تهران، چمران اهواز، صنعتی اصفهان، علم و صنعت، تربیت مدرس، علم و فرهنگ، خوارزمی شعبه کرج، دانشگاه ملی (بهشتی)، مدرسه عالی دختران (الزهرای)، امیرکبیر، خوارزمی و صنعتی خواجه‌نصیرالدین طوسی، اعتراضات در اشکال تحصن، تجمع و تظاهرات در محوطه دانشگاه‌ها برگزار شد. در دانشگاه کردستان بزرگترین تظاهرات برپا گردید. دانشجویان ضمن محکوم کردن اقدامات وحشیانه رژیم در کردستان، شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را سر دادند. دانشجویان شعارنوشته‌هایی به همراه داشتند که از جمله بر آن‌ها نوشته‌شده بود "بر صندلی‌های خون‌آلود نمی‌نشینیم". رژیم ستمگر، وحشیانه دانشجویان را سرکوب کرد. استادان دانشگاه کردستان نیز با دانشجویان اعلام همبستگی کردند. آن‌ها در بیانه‌های حمله نیروهای سرکوب به این دانشگاه را محکوم کردند و خواهان برخورد با مسببان این فاجعه شدند. پیش از این در برخی از دانشگاه‌های کشور نیز استادان با دانشجویان اعلام همبستگی کرده بودند. در پی سرکوب دانشجویان توسط نیروهای مسلح رژیم و مصدوم

... در زمانه‌ای که ظلم در جامعه قانون روا داشته شده، مزدوران حامی قانون شده‌اند و شریف‌ترین‌ها و آزادی‌خواها نمان ر بوده می‌شوند، زمانی که عدالت‌خواهی جرم می‌شود و سرکوب نام نظم می‌شود، در چنین شرایطی به‌راستی چگونه انتظار می‌رود که به کلاس‌ها برگردیم؟ چگونه می‌توانیم بر روی صندلی‌هایی بنشینیم که دوستان‌مان، عزیزان‌مان، نیکان و پاکانمان آنجا نشسته بودند؟ چگونه می‌توانیم این خیانت را ببینیم و سکوت کنیم؟

.....مادامی‌که خواسته‌های تمامی دانشجویان پاسخ داده نشود تحریم و در دانشکده‌هایمان تحصن می‌کنیم و به تمام عوامل سرکوب اعلام می‌کنیم: «بترسید! بترسید! ما همه باهم هستیم!» از اساتید تمامی دانشگاه‌ها و بخصوص دانشگاه تهران درخواست می‌کنیم تا در برابر توهینی که به ساخت علم و دانشگاه وارد آمده، سکوت نکنند و با پیوستن به این مای بزرگ، ظلم کنونی را ریشه‌کن کنند.

■ فهرست مطالبات دانشجویان دانشگاه تهران به شرح زیر اعلام شد:

- ۱- آزادی بی‌قیدوشرط دانشجویان بازداشتی و رفع اتهام‌های وارده، صدور منع قرار تعقیب برای دانشجویان آزادشده
- ۲- رفع تعلیق‌ها و محرومیت‌های اخیر تحصیلی و ممنوع‌الورودی‌ها
- ۳- خروج تمامی نیروهای امنیتی و لباس شخصی از دانشگاه‌ها
- ۴- تضمین آینده تحصیلی دانشجویان بازداشت‌شده و جلوگیری از دخالت نهادی امنیتی در جهت ستارمدار کردن آن‌ها
- ۵- برکناری تمامی عواملی از دانشگاه و حراست که در حوادث اخیر نقش داشتند.
- ۶- عذرخواهی رسمی از تمامی دانشجویان بابت جریانات اخیر.

۷- پایان دادن به قوانین مرتجعانه‌ی حاکم بر دانشگاه مانند تفکیک جنسیتی در سلف غذاخوری و دخالت حراست در پوشش دانشجویان مطالبات دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها نیز تقریباً در همین چهارچوب بود. اعتصابات ادامه یافت. در همین حال دانشجویان اقدامات عملی خود را علیه تفکیک جنسیتی در سالن‌های غذاخوری تشدید کردند.

در چهارم آبان که بزرگترین اعتراضات توده‌ای در سراسر ایران برپا گردید و صدها هزار تن از مردم در تظاهرات علیه رژیم ستمگر حاکم به خیابان‌ها آمدند، مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور در این اعتراض بزرگ حضور داشتند و جنبش آن‌ها در جنبش سراسری توده‌ای علیه رژیم ادغام گردید. لاقلاً ۵۰ دانشگاه در این اعتراضات توده‌ای حضوری فعال داشتند. نشریه کار شماره ۹۴۴ در مورد مبارزات دانشجویی در این روز نوشت:

"در این روز، در دانشگاه نجف‌آباد اصفهان، عکس خامنه‌ای لگدمال شد و تابلوی خمینی و خامنه‌ای - این دو نماد ارتجاع حاکم- توسط دانشجویان به زیر کشیده شد. در دانشگاه

## فروپاشی رژیم به روایت اسناد پشت پرده نظام

نبردهای خیابانی و روند رو به رشد اعتصابات کارگری طی ۱۱ هفته گذشته به چنان ابعادی رسیده است، که سرداران سپاه نیز در جلسات سری خود به "خستگی" نیروهای بسیج و "نارضایتی" آنان اعتراف کرده اند. در پی گسترش جنبش انقلابی توده های مردم ایران و در شرایطی که جمهوری اسلامی به روزهای سقوط خود نزدیک می شود، سرداران سپاه در جلسات امنیتی خود با تاکید بر اینکه: "اخبار خوبی از وضعیت روحیه" بسیج و نیروهای سرکوبگر رژیم نداریم، اعلام کرده اند: "باید فکری برای بدنه ناجا بکنیم. این ها [نیروهای سرکوب] که الان در کف خیابان هستند، خسته اند و خیلی ناراضی اند."

روند رو به رشد جنبش انقلابی توده های مردم ایران و باور آنان به انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی که روز بروز شتاب بیشتر یافته است، هیئت حاکمه و دستگاه های تبلیغاتی رژیم را بر آن داشته تا به رغم آنکه نیروهای امنیتی و فرماندهان سپاه در جلسات محرمانه خود بحران درونی رژیم را پذیرفته و به آن اعتراف می کنند، اما در انظار عمومی از طریق پیاوه گویی های خامنه ای و مجموعه رسانه های حکومتی بحران سرنگونی رژیم را انکار و تبلیغات خود را بر اقتدار رژیم و پایان جنبش انقلابی توده های مردم ایران متمرکز کرده اند. انتشار فایل صوتی جلسه محرمانه سرداران سپاه با مدیران رسانه های حکومتی و نیز افشای متن بولتن های داخلی خبرگزاری فارس که به صورت تک نسخه ای فقط برای فرمانده کل سپاه پاسداران تنظیم و تهیه می شوند، به روشنی مراحل پایانی فروپاشی درونی نظام را به تصویر کشیده اند.

هفته گذشته سامانه داخلی خبرگزاری امنیتی فارس - وابسته به سپاه پاسداران - توسط گروه هکری "بلک ریوارد" هک گردید. با دسترسی این گروه هکری به سامانه داخلی خبرگزاری فارس، ابتدا فایل صوتی دو ساعته جلسه سری قاسم قریشی، جانشین فرمانده بسیج با مدیران رسانه های نزدیک به بسیج و سپاه در حساب کاربری این گروه درج گردید. با افشای این فایل، ابعاد تازه ای از خیزش نوین انقلابی مردم ایران و برنامه های نهادهای امنیتی برای مقابله با این خیزش، در دسترس عموم قرار گرفت. بر اساس محتوای این فایل صوتی، سردار فکری، یکی از فرماندهان عالی رتبه حاضر در این جلسه دیدار با مدیران رسانه های همسو با حکومت اعلام کرد: "باید فکری برای بدنه ناجا بکنیم. این ها [نیروهای سرکوب] که الان در کف خیابان هستند، خسته اند و خیلی ناراضی اند." قاسم قریشی، جانشین فرمانده بسیج هم در مورد گستردگی اعتراضات و اعتصاب کسبه و بازاری ها اعلام کرده است، دست کم "هفتاد درصد" کسب و کار و ۲۱ استان ایران با نخستین روز فراخوان اعتصاب در روزهای ۲۴ تا ۲۶ آبان همراهی کرده اند. بر اساس گزارش مطرح شده، بیشترین میزان اعتصاب به ترتیب

مربوط به بازار تهران بود و سپس استان کردستان که با ۹۰ درصد تعطیلی، بیشترین میزان اعتصاب را داشته اند. در شیراز نیز بعضی از صنف ها تا ۱۰۰ درصد هم تعطیل بودند. لازم به ذکر است که محتوای این فایل مربوط به جلسه ای است که در روز ۲۴ آبان ۱۴۰۱ برگزار شد و لذا در این جلسه فقط از نخستین روز فراخوان اعتصاب صحبت شده است.

آنچه در فایل صوتی افشا شده قابل توجه است، تاکیدات جانشین فرمانده بسیج به مدیران رسانه های حکومتی است که از آنان خواسته تا به صورت روزانه و با بکارگیری الفاظ "اغتشاشات"، "افتته سیاه"، "افتته آمریکایی، صهیونیستی و سعودی سیاه"، خیزش و قیام و نبردهای خیابانی توده های مردم ایران را به آمریکا و اسرائیل نسبت دهند. اعتراف به برگزاری تجمع و تحصن در ۶۲ دانشگاه با حضور ۷ هزار دانشجو در ۲۰ استان کشور، اشاره به ۹ مورد عمده پرانی که فقط در فاصله روزهای ۲۱ تا ۲۳ آبان اتفاق افتاده، پرتاب کوکتل مولوتف به دفتر نماینده سبزوار و همچنین ذکر ۱۲ مورد حمله به پایگاه های بسیج در بازه زمانی شروع اعتراضات خیابانی تا ۲۴ آبان، از دیگر موارد یاد شده در این جلسه محرمانه بوده است.

نکته دیگری که در این جلسه توسط جانشین فرمانده بسیج بر آن تاکید شده، همانا تمرکز رسانه های حکومتی روی بازی های جام جهانی قطر برای تحت الشعاع قرار دادن خیزش انقلابی مردم ایران بود. طبق تاکیدات قاسم قریشی، سیاست رژیم و دستگاه های تبلیغاتی آن باید بر این امر استوار باشد که بتواند با "اشغال خیابان ها و برگزاری شادی خیابانی با هماهنگی نیروی انتظامی" فضای انقلابی جامعه را به نفع نظام تغییر دهند.

اقدام گروه هکری "بلک ریوارد" فقط به افشای فایل محرمانه نشست قاسم قریشی با رسانه های حکومتی محدود نماند و این گروه با کمی تأخیر بولتن محرمانه ای از خبرگزاری فارس را هم منتشر کرد. افشای محتوای این بولتن محرمانه، ابعاد وسیعتری از بحران فروپاشی نظام را آشکار کرده و نشان می دهد که هیئت حاکمه در مقابله با خیزش انقلابی توده های سلحشور مردم ایران تا چه حد به ناتوانی و استیصال رسیده است.

موضوع نخست این بولتن که توپین آن پس از دیدار علی خامنه ای با بسیجیان در پنج آذر ماه جاری تنظیم شده است، به روشنی درماندگی و بحران فروپاشی نظام را از درون بازتاب می دهد. بحران سیستان و بلوچستان و ورود مستقیم رهبر جمهوری اسلامی به کشتار جمعه خونین زاهدان، نخستین موضوع مندرج در بولتن فوق است. طبق اسناد مندرج در این بولتن، خامنه ای با جمع بندی شورای عالی امنیت ملی و نیروی انتظامی برای بازداشت مولوی عبدالحمید - رهبر اهل تسنن سیستان و بلوچستان - مخالفت

کرده و یادآور شده است: "مولوی عبدالحمید نباید بازداشت شود. بلکه باید بی آبرو شود".

واکنش خامنه ای در مقابله با منتقدین داخلی نظام از جمله مولوی عبدالحمید اقدامی مسبوق به سابقه است. شیوه ای شناخته شده که ۴۳ سال پیش، خمینی نیز عین همین روش را در مورد شریعتمداری بکار گرفت و با کشتادن رقیب مرجعیت خود به اعتراضات تلویزیونی آنچنان او را "بی آبرو" کرد که دیگر تا پایان عمر هرگز نتوانست کمر راست کند. بولتن محرمانه خبرگزاری فارس، در مورد چرایی علت ورود مستقیم خامنه ای به مسئله جمعه خونین زاهدان، تأخیر موضع گیری ابراهیم رئیسی و علی شمخانی در ماجرای کشتار مردم زاهدان در هشتم مهر ماه سال جاری را عنوان کرده است. در این بولتن همچنین به سخنان حدادعادل اشاره شده که به خامنه ای گفته است: "بسیج ما ضعیف شده و قدرت بسیج کنندگی خود را از دست داده است."

موضوع جنبش انقلابی توده های مردم ایران و تداوم سلحشورانه این جنبش که روز بروز شکوفاتر می شود، یکی دیگر از موضوعات ذکر شده در بولتن است. جنبشی رادیکال و عمیقاً انقلابی که تداوم آن به صورت جدی گریبان رژیم را گرفته و گستردگی آن در شهرهای مختلف هیئت حاکمه را به استیصال کشانده است. اظهار عجز و ناتوانی نظام در مقابله با گسترش روز افزون مبارزات انقلابی توده های مردم ایران از جمله موضوعاتی است که به نقل از علی خامنه ای و با تاکید بر عقب بودن رسانه های حکومتی به روشنی در بولتن درج شده است: "چرا ما عقب هستیم؟ هرچه می توانید به آقایان بگویید که از ابزار رسانه به نحو مطلوب استفاده کنند. این موضوعات - اغتشاشات - به این زودی تمام نمی شود."

ارائه آمارهایی از ابعاد اعتراضات خیابانی برای آگاهی دست اندکاران حکومتی، مورد دیگری از موضوعات درج شده در این بولتن است. بر اساس آمار ارائه شده در بولتن فارس، ۸۴ درصد مردم، اعتراضات خیابانی را عاملی برای کاهش مشکلات می دانند و ۷۰ درصد مردم نیز اعلام کرده اند که دیگر تمایلی به حضور در راهپیمایی های حکومتی برای حمایت از نظام ندارند. نکته مهم دیگری که به آن اشاره شده، همانا تأیید بولتن نویسان امنیتی خبرگزاری فارس بر "ریزش ترس مردم از نیروی نظامی و انتظامی" است.

نگرانی از ناکارآمدی دستگاه سرکوب، حضور تعدادی از فرزندان کارمندان دولت و خانواده های "شهبای" جمهوری اسلامی در جمع بازداشت شدگان، نارضایتی خامنه ای از حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران و فرمانده بسیج، اعتراف به اینکه نظام در جنگ رسانه ای عقب افتاده است، تاکید بر کم کاری رئیس دولت و شورای عالی امنیت ملی رژیم در واکنش به جمعه خونین زاهدان، اعتراف خامنه ای که این "اغتشاشات" به این زودی جمع نمی شود، اعتراف به ائتلاف قالیباف با ابراهیم رئیسی و اینکه سیاستمداران نزدیک به دولت از دیدار محمد باقر قالیباف با خامنه ای ناراضی اند و موارد دیگری از این دست از جمله

## فروپاشی رژیم به روایت اسناد پشت پرده نظام

موضوعاتی هستند که سردمداران نظام در پشت تاریک خانه قدرت به آن اعتراف کرده اند، اما در مواجهه با مردم و تبلیغات رسانه ای و تریبون های عمومی به گونه ای سخن می گویند که نظام به دور از هر بحرانی در اقتدار کامل است.

نمونه بارز آن سخنان خامنه ای در روز پنجم آذرماه ۱۴۰۱ در جمع بسیجیان بود. در این دیدار خامنه ای از یک طرف تعداد مردم معترض را "چهار نفر" اعلام کرد که گول دسیسه های آمریکا و اسرائیل را خورده اند و یقیناً به زودی جمع می شود. اما از طرف دیگر با خواندن آیه ای که دلالت بر شکست مسلمانان صدر اسلام در جنگ احد داشت، از بسیجیان "ناراضی" و "روحیه باخته" دلجویی کرد و از آنان خواست که از "شکست" نهراسند و روحیه خود را برای مقابله با دشمن حفظ کنند.

نمونه دیگر، سخنان وزیر کشور است که او هم هفته پیش با اعلام اینکه اعتراضات "تمام" شده و کشور بخصوص در "کردستان" امن است، همان توصیه های محرمانه جانشین فرمانده بسیج و نیز دستورالعمل های درج شده در بولتن محرمانه خبرگزاری امنیتی فارس را به نمایش گذاشت. دستورالعمل هایی که با صراحت به تمام نهادها و رسانه های تبلیغاتی رژیم ابلاغ شده تا در انظار عمومی همواره از اقتدار رژیم سخن بگویند، بحران فروپاشی را انکار کنند، خیزش انقلابی مردم را کوچک و اعتراضات وسیع توده های مردم ایران را پایان یافته اعلام کنند. در حالیکه در کف خیابان ها چیز دیگری جاریست و مردم با حضور قهرمانانه خود مدام سنگرهای جدیدی از استقامت و پایداری را فتح می کنند و با رشادتی تحسین برانگیز سرکوب را به هیچ گرفته و با پرچم جان در مسیر شکوفایی یک انقلاب بزرگ گام بر می دارند. رشادت و قدرتی که اگر امروز خامنه ای و نهادهای امنیتی را بر آن داشته تا در پشت درهای بسته و در تاریکخانه جلسات محرمانه خود شکست و اضمحلال درونی رژیم را ببینند، دیر نخواهد بود که شکست و فروپاشی درونی رژیم را در پشت تریبون های رسمی نیز اعلام کنند.

## اعتصابات سراسری پای دوم جنبش انقلابی

فراخوان های متعدد جوانان انقلابی در محلات همراه شده است. بیداری و آگاهی سیاسی درمیان تمام اقشار زحمتکش جامعه افزایش یافته است. در شرایط کنونی بسیار مهم و ضروری است که از رانندگان حمل و نقل کالا حمایت شود. بسیار مهم و در موفقیت اعتصاب رانندگان و کامیون داران مؤثر است که رانندگان ناوگان اتوبوس های شهری و ناوگان مسافربری بین شهری نیز در حمایت از رانندگان و کامیون داران دست از کار بکشند. در ناوگان مسافربری بین شهری حدود ۲۰۰ هزار راننده مشغول به کار هستند و اعتصاب آن ها جبهه اعتصابات سراسری را تقویت می کند. در اعتصاب سال ۹۷ رانندگان و کامیون داران، یک نمونه از این نوع حمایت و همبستگی بروز کرد. ناوگان مسافربری خوزستان دست به اعتصاب زدند و شرکت های ایران پیما، همسفر، تی بی تی، رویال سفر در اهواز، آبادان، خرمشهر، ایذه، ماهشهر و برخی شهرهای دیگر در حمایت از رانندگان ناوگان حمل و نقل کالا، سرویس های خود را لغو و غرفه های فروش بلیت را تعطیل کردند. اکنون زمان آن رسیده است که این نمونه حمایت ها و همبستگی ها باز تکثیر و گسترده تر شود.

در شرایطی که تداوم اعتراضات توده ای و نبردهای خیابانی در سراسر کشور، ارتجاع حاکم را به ستوه آورده و هر بار ضربات محکمی بر پیکر فرسوده نظم حاکم فرود می آورد، با گسترش اعتصابات سراسری به مثابه پای دوم جنبش انقلابی، باید رژیم جمهوری اسلامی را از همه سو به محاصره درآورد و آن را به کلی فلج ساخت. فاصله چندانی تا اعتصاب عمومی سیاسی سراسری نمانده است و برای تعیین تکلیف قطعی با رژیم حاکم نیز راه دیگری جز اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه وجود ندارد.

علی رغم این سرکوب وحشیانه، فعالان و رانندگان آگاه و پیشرو توانسته بودند هماهنگی هایی میان شهرهای مختلف ایجاد کنند و تشکل های اولیه هماهنگ کننده ای را سازمان دهند به نحوی که اعتصاب مرداد سال ۹۷ بیش از ۱۶۰ شهر را دربرگرفت. اعتصاب مهرماه همان سال را که "اتحادیه هماهنگ کنندگان رانندگان سراسر ایران" فراخوان داده بود به بیش از ۲۷۰ شهر کشور گسترش یافت. دستگیری ها و بازداشت های وسیع رانندگان آگاه و پیشرو و سرکوب خشن و گسترده، به تلاش ها و هماهنگی های ایجاد شده آسیب های جدی وارد ساخت و در روند اعتصابات سراسری رانندگان و کامیون داران وقفه انداخت. اما رانندگان و کامیون داران دست از مبارزه و فعالیت برنداشتند. از تجارب اعتصابات و فعالیت های متشکل قبلی آموختند، دوباره گرد هم آمدند، روابط خود را بازسازی و ترمیم کردند. هماهنگی ها را گسترش داده و به تشکل خود نظم بیشتری بخشیدند. اکنون ۴ سال بعد از اعتصابات سراسری در سال ۹۷ مصمم تر از گذشته، متشکل تر از گذشته با شعارها و خواست های سیاسی رادیکال و خواست های صنفی پا به میدان مبارزه گذاشته و اعتصاب سراسری دیگری را سازمان داده اند و در عین حال از فراخوان ها و اعتصاب های سراسری در روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ آذر نیز حمایت نموده اند.

خوشبختانه امکان پیشروی و موفقیت اعتصاب سراسری رانندگان و کامیون داران نسبت به اعتصابات سال ۹۷ بسیار بیشتر شده است. این اعتصاب با موجی از اعتصابات کارگری و همچنین فراخوان های متعدد اعتصابات سراسری در روزهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ آذر از نمونه فراخوان اعتصاب کارگران و کارکنان مترو، اعتصاب سراسری پزشکان و کادر درمان و اعتصابات سراسری دانشجویان و

کار، نان، آزادی، حکومت شورایی





## گزارش اجلاس حضوری نمایندگان نیروهای شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست نوامبر ۲۰۲۲

اجلاس حضوری نمایندگان نیروهای "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" در روزهای شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ آذر ماه ۱۴۰۱ برابر با ۲۶ و ۲۷ نوامبر ۲۰۲۲ در شهر کلن آلمان برگزار گردید. اجلاس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان خیرش انقلابی اخیر و دو رفیق فعال شورای همکاری زنده یادان سعید سهرابی و مسعود دقیقی اصل که در فاصله دو اجلاس حضوری شورا جانباخته بودند، شروع بکار کرد و بدنبال وارد بحث حول دستور جلساتی شد که از قبل روی آن توافق به عمل آمده بود.

\*\*\*

اولین دستور این اجلاس ارزیابی از فعالیت های دور گذشته و بویژه در دوره خیزش انقلابی اخیر بود. سؤال این بود که "شورای همکاری" در اوضاع کنونی کجا ایستاده است؟ کاستی ها و فرصت ها بطور مشخص کدامند؟

در پاسخ به این سئوالات همه نیروهای "شورای همکاری" بر این باور بودند که فعالیت های نیروهای چپ و کمونیست در کل و همکاری شش نیروی شورا، اگر چه بهبودهای داشته و فعالیت های مثبتی از قبیل براه انداختن کانال مشترک تلویزیونی، حضور چشمگیرتر تبلیغاتی و ... صورت گرفته است، اما در کل این همکاریها از نبض جنبش و خیزش انقلابی اخیر عقب است و هنوز شورا نتوانسته از همه پتانسیل نیروهای خود بهره برده و به گسترشی فراتر از جمع کنونی که از ملزومات پیشروی های قطب چپ جامعه است نائل آید. این کمبود و کاستی هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی در شرایطی که بیش از هفتاد روز از خیزش انقلابی مردم در ایران می گذرد و در شرایطی که خصلت نمایی بسیاری از اعتراضات درون جامعه مهر چپ و رادیکال بر خود دارد ضعفی غیر قابل انکار است. همچنین در شرایطی که بدیل سازی های جریان راست در خارج کشور که موج سواری کرده و می خواهند ترمز انقلاب را بکشند، تعهدات "شورای همکاری" را به عنوان بخشی از نیروهای چپ و کمونیست جامعه از همیشه بیشتر می سازد.

در رابطه با امر گسترش و فعالیت های میدانی و عملی، چه در رابطه با همبستگی و حمایت از شوراها، نهادها و کمیته های فعال در جنبش انقلابی در داخل کشور و چه در رابطه با شوراها و نهادهای حمایت از جنبش انقلابی در خارج کشور، بحث های مفصلی صورت گرفت و برای هر کدام از این دو بخش "شورای همکاری" سیاست خود را در دو سند به تصویب رساند.

در جمع بندی این بخش توافق روی این مسئله بود که باید بطور جدی فرصت ها را بیشتر دریافت و برای ارتقا آن فعالیت کرد و ضعف ها را در حد امکانات و توان برطرف کرد و این امر به جز با گسترش فعالیت میدانی، تخصیص نیرو و امکانات و اولویت دادن بیشتر به فعالیت و همکاری جمعی و برقراری دیالوگی رقیقانه برای همکاری مشترک و گسترده تر با دیگر نیروهای چپ و کمونیست، شوراها و نهادها و انسان های منفرد و مستقل ممکن نیست.

در همین رابطه تصمیم گرفته شد در گام اول، تعدادی از نیروهای چپ و کمونیست که با چارچوب بیانیه استکهلم توافق دارند، دعوت به همکاری شود. در ادامه از طریق دیالوگ های رقیقانه با استفاده از مکانیسم سمینارهای عمومی علنی و میزگردهای تلویزیونی، نزدیکی و همکاری با دیگر نیروهای چپ و کمونیست ادامه داده شود.

در ارتباط با نهادها، محافل و فعالین مستقل چپ و کمونیست، علاوه بر استفاده از ساز و کارهای مورد اشاره در بالا، تاکید شد در هماهنگی با آنها راهکارهای عملی و تدابیر مشترکی دیده شود.

\*\*\*

بر بستر بحث ارزیابی، جدا از توافق روی قرارهایی در دفاع و همراهی با تشکیلات های محلی در داخل و خارج کشور، تقویت بخشی از عرصه ها برای گسترش و دخالتگری فعالانه تر بعنوان دومین دستور جلسه اجلاس بود که در چند بخش جداگانه پیش رفت و در هر مورد تصمیماتی اتخاذ گردید که به تفکیک به آنها اشاره می شود:

- شبکه های اجتماعی: هر چند شورای همکاری فعالیت های مشخصی را در بعضی از پلتفرم های شبکه های اجتماعی از قبیل "انستاگرام"، "تلگرام"، "فیسبوک" و "کلاب هاوس" دارد، اما هنوز کار در این عرصه مهم یعنی شبکه های اجتماعی رضایت بخش نیست. قرار بر این شد که با اختصاص نیروی بیشتر و پوشش دادن اخبار و گزارشاتی که نه فقط کارهای شورا، بلکه فعالیت مجموعه ای از نهادها و تشکل ها و افرادی که با اهداف شورای همکاری همسویی دارند پوشش دهد و این عرصه از کار را فعال تر و گسترده تر کند.

- تلویزیون آلترناتیو شورایی: چهار نیرو از شش نیروی "شورای همکاری" کانالی ۲۴ ساعته را در اختیار دارند. این کانال اگر چه تربیون نیروهایی از "شورای همکاری" است، اما هنوز این به معنای یک تلویزیون مشترک همه نیروهای شورا نیست. در این اجلاس بار دیگر پروژه یک برنامه مشترک تلویزیونی تحت نام "آلترناتیو شورایی" بررسی و تصویب شد و کمیسیونی با شرکت یک نماینده از هر نیرو برای تدارک و پیشبرد این پروژه تعیین گردید.

دستور جلسه آخر این اجلاس بررسی و بروز کردن نکات ساختاری و آیین نامه درونی همکاری این نیروها در راستای سرعت بخشیدن به کارها و تصمیمات، نحوه هماهنگی درونی و ... بود. این تغییرات با توجه به شناخت و آشنایی بیشتر نیروها از همدیگر و اعتمادی که حاصل چند سال کار مشترک بود صورت گرفت.

\*\*\*

ارزیابی شرکت کنندگان از اجلاس حضوری که محدودیت های دوره کرونایی آن را به تعویق انداخته بود، مثبت و راهکارهای پیشنهادی در هر یک از موارد نویدگر احساس مسئولیت و تلاشی موثرتر بود برای پاسخ به تعهدات و وظایفی که در این شرایط خطیر به عهده ماست.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**

**زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

**شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست**

**۱۱ آذر ۱۴۰۱ - ۲ دسامبر ۲۰۲۲**

امضاها : سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

## "این آخرین پیامه، اعدام کنید قیامه"

استان ایلام ۲۵ نفر دستگیر شده‌اند که ۵ نفر از آن‌ها زیر ۱۸ سال هستند. سونیا شریفی ۱۶ ساله یکی از آن‌هاست که براساس اخبار منتشره او را در زیر شکنجه و ادا سازندگی تا اتهام "ساخت و نگهداری کوکتل مولوتف" را بپذیرد. اتهامی که می‌تواند بهانه‌ای برای صدور حکم اعدام باشد. مهدی سیروسی نوجوان ۱۷ ساله به اتهام پاره کردن بنر خامنه‌ای بازداشت و در زندان وکیل‌آباد مشهد زندانی است. "بازپرس" پرونده، خانواده‌ی وی را تهدید کرده است که در پرونده‌اش چیزی درج می‌کند که مجازاتش اعدام یا حبس ابد باشد!! فهیمه کریمی نیز مربی والیبال و مادر یک کودک سه ساله است که در اعتراضات پاکدشت دستگیر شده بود. به گفته‌ی اقوام فهیمه، وی به اعدام محکوم شده است.

به گفته‌ی حامد احمدی "وکیل تسخیری" زندانی سیاسی سهند نورمحمدزاده، وی به جرم شرکت در اعتراضات به اعدام محکوم شده است. تنها مستند دادگاه در این باره ویدئویی از حضور او در خیابانی است که توسط معترضان بسته شده بود. لازم به یادآوری است که دستگیرشدگان خیزش انقلابی اخیر توده‌های جان به لب رسیده، در هیچ کدام از مراحل، از روز دستگیری تا دادگاه وکیل انتخابی نداشته و براساس تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی، تنها در مرحله دادگاه مجاز به انتخاب وکیل تسخیری از میان وکلایی هستند که پیش از این توسط رئیس قوه قضاییه تایید شده باشند. به عبارتی دیگر مورد تایید حکومت باشند. به همین بهانه "قاضی" دادگاه ۱۵ زندانی سیاسی در کرج، مانع حضور وکلای انتخابی آن‌ها در دادگاه شد. آن‌ها حتی از رویت پرونده موکلان‌شان نیز محروم هستند.

در نخستین جلسه بی‌دادگاه این ۱۵ زندانی سیاسی در کرج که چهارشنبه گذشته برگزار شد، نماینده "دادستان" اتهام همه‌ی آن‌ها را "افساد فی الارض" خوانده و خواستار اشد مجازات برای آن‌ها شد. در میان این ۱۵ زندانی سیاسی ۳ تن از آنها زیر ۱۸ سال هستند.

در تهران نیز برای تعدادی از معترضان که اسامی‌شان تاکنون اعلام نشده، حکم اعدام صادر شده است. سامان یاسین رپر کرمانشاهی یکی دیگر از زندانیان سیاسی است که برای او حکم اعدام صادر شده است. سامان را در زیر شکنجه مجبور به اعتراف علیه خود در یک نمایش تلویزیونی کرده بودند. توماج صالحی رپر مشهور ایرانی یکی دیگر از زندانیان سیاسی است که در مدت کوتاهی پس از دستگیری در یک دادگاه نمایشی و بدون حضور وکیل، در یکی از بیدادگاه‌های اصفهان به "محاربه" متهم شده است.

یکی دیگر از احکام صادره، حکم اعدام مجیدرضا رهنورد زندانی سیاسی در مشهد است. تنها ۳ روز پس از دستگیری وی، یک دادگاه نمایشی حکم اعدام او را صادر کرد. حکم اعدام وی بویژه از این جهت انعکاس وسیعی یافت که عوامل حکومتی اعلام کرده بودند او را در ملاء عام اعدام خواهند کرد. همچنین اتهام دو برادر، دو کودک بلوچ به نام‌های محمد و علی رخشانی

۱۶ و ۱۷ ساله، در کیفرخواست صادره "محاربه" عنوان شده است. این دو کودک بلوچ یک روز پس از جمعه خونین زاهدان در برابر خانه خود دستگیر شده بودند. آن‌ها نیز مانند دیگر زندانیان سیاسی از داشتن حق انتخاب وکیل محروم بوده‌اند.

براساس اخبار منتشره در حدود ۸۰ روزی که از شروع خیزش انقلابی توده‌ها می‌گذرد، بیش از ۱۸ هزار نفر دستگیر شده‌اند که تعداد قابل ملاحظه‌ای از آن‌ها با احتمال صدور کیفرخواست‌هایی مبنی بر "محاربه و افساد فی الارض" روبرو هستند. همان‌گونه که در موارد ذکر شده در بالا نیز مشخص است نه تنها هیچ ضابطه و معیاری برای صدور چنین کیفرخواست‌هایی وجود ندارد، بلکه بازجوها با شکنجه زندانیان تلاش دارند تا کیفرخواست‌هایی با این عناوین برای ارسال به بیدادگاه‌های رژیم تنظیم شود.

رژیم جمهوری اسلامی در زندان‌ها از تمامی روش‌های جنایتکارانه علیه زندانیان سیاسی استفاده کرده است. در همین دو ماه اخیر تعدادی از زندانیان سیاسی در اثر شکنجه جان خود را از دست دادند که دو نمونه اخیر آن حامد سلحشور و عاطفه نعمی هستند. حامد سلحشور جوان ۲۲ ساله ایزدهای در ۲۴ آبان دستگیر شد و چند روز بعد جنازه وی را مخفیانه به خاک سپردند که اقوام و آشنایان با نبش قبر، جنازه حامد را به روستای پدرو او منتقل و در آنجا به خاک سپردند. عاطفه نعمی ۳۷ ساله نیز که پس از شرکت در اعتراضات ناپدید شده بود، ۸ روز بعد پیکر بی‌جان‌اش در خانه وی در کرج پیدا شد که آثار ضرب و شتم روی بدن وی کاملاً هویدا بود. در مورد عرشیا امامقلی‌زاده علمداری زندانی سیاسی ۱۶ ساله که به اتهام عماله‌پرانی در جلفا در استان آذربایجان شرقی دستگیر شده بود نیز اخبار متفاوتی منتشر شده است. براساس یک روایت وی در زندان و در اثر ضرب و شتم جان باخته است، اما عوامل حکومت خانواده را مجبور کردند تا بگویند عرشیا خودکشی کرده است. براساس روایت دوم وی دو روز بعد از آزادی خودکشی کرده است. مساله مرگ بعد از آزادی نیز یک مورد بسیار قابل تامل است از جمله در مورد مرگ یلدا آقافضلی. یلدا آقافضلی که براساس تصاویر منتشره در شبکه‌های اجتماعی با روحیه بسیار بالا از زندان آزاد شده بود، دو روز بعد از آزادی درگذشت که علت آن خودکشی اعلام شد، اما اینکه وی با آن روحیه بالا دست به این کار زده باشد، جای تردید بسیار دارد.

تجاوز و تعرض جنسی به زنان و دختران یک نمونه دیگر از وحشی‌گری‌ها و جنایات جمهوری اسلامی در زندان است. وضعیت زندانی سیاسی آر میتا عباسی در زندان و بستری شدن‌اش در بیمارستان در اثر شکنجه و تجاوز متعدد یک نمونه از این جنایات است. در نامه‌ی زندانی سیاسی نرگس محمدی به جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران آمده است: "این روزها زنانی را در بند زنان زندان

اوین دیده‌ام که مورد اذیت و آزار و تعرض حین بازداشت قرار گرفته‌اند... یکی از بازداشت‌شدگان قربانی خشونت دخترت است که حین بازداشت مورد تعرض وحشیانه ماموران قرار گرفته بود و وقتی این دختر شکایتی کتبی علیه ماموران را به زندان ارائه کرد و خواهان حضور وکیل و فرستادن به پزشکی قانونی شد و ما نیز در بند زنان طی ۲ روز اعتراض و تجمع کردیم، او را از قرنطینه زندان به بند عمومی ما منتقل نکردند بلکه روز ۵ آذر بعد از ۵ روز نگهداری در قرنطینه از اوین برده شد... زنی دیگر که مورد اذیت و آزار جنسی در مقابل دختر بچه‌اش قرار گرفته اکنون در بند ما تحت فشار روحی و روانی شدید است".

بهرغم تمامی این جنایات وحشیانه و به‌رغم سرعت بخشیدن به محاکمه دستگیرشدگان و صدور احکام ظالمانه، تداوم مبارزات توده‌ها، رژیم وحشت‌زده جمهوری اسلامی را دچار تردیدهایی در اجرای احکام اعدام کرده است. حتی برخی در جناح "اصولگرایان" حکومت معتقدند در شرایط کنونی اجرای احکام اعدام مانند ریختن بنزین بر روی آتش است. جلسه غیرعلنی اخیر محسنی اژه‌ای و چندتن از دیگر مقامات قضایی با نمایندگان مجلس اسلامی در همان محدوده‌ای که اخبارش منتشر شد، بیان‌گر تشدید اختلافات در مورد نحوه برخورد با خیزش انقلابی توده‌ها و تردیدهایی است که حتی در میان برخی از مقامات رده بالای جمهوری اسلامی در مورد موفقیت حکومت در سرکوب خیزش انقلابی توده‌ها بوجود آمده است.

واقعیت این است که صدور پرشتاب کیفرخواست‌هایی با عنوان "محاربه" در شرایط کنونی ابزاری است برای ترساندن توده‌ها. جمهوری اسلامی احکام اعدام را همچون "شمشیر داموکلس" به‌عنوان تهدیدی بالای سر توده‌ها و زندانیان سیاسی گرفته است. تهدیدی که در صورت عقب‌نشینی توده‌ها می‌تواند به عمل درآید. جمهوری اسلامی یک رژیم آدمکش فاشیست است. رژیم‌ی که در هفته‌های اخیر برای انتقام‌گیری از مردم قهرمان بلوچستان، تعدادی از جوانان را که با اتهاماتی همچون موادمخدر در بند نگاه داشته بود با سرعت به جوخه‌های اعدام سپرد. رژیم در صورتی که فرصت را مناسب ببیند دست به اعدام جوانان معترض خواهد زد با این گمان باطل که "خدای امروز خدای دهه‌ی ۶۰" است. در این مورد نباید هیچ تردیدی کرد.

اعدام ۴ نفر به اتهام جاسوسی برای اسرائیل در روز یکشنبه یک نمونه دیگر است. یک دلیل اعدام سریع این ۴ زندانی که در اعتراضات دستگیر نشده بودند، سنجش واکنش مردم است. جمهوری اسلامی با اعدام این ۴ زندانی هم ابزار اعدام را به رخ مردم می‌کشد و هم واکنش جامعه را می‌سنجد. ناگفته نماند که حتی اتهام وارده به ۴ زندانی اعدام شده برای افکار عمومی قابل پذیرش نیست، چه رسد به حکم اعدام آن‌ها که تنها چند ماه بعد از دستگیری صادر و به سرعت اجرا شد. مردم به‌خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی برای پوشاندن ضعف اطلاعاتی خود در برابر سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) بارها افرادی را که جرمی نداشتند، به عنوان جاسوس



## شنبه‌های انقلاب

طبق فراخوان قبلی شورای دفاع از مبارزات انقلابی مردم ایران - هامبورگ، شنبه ۳ دسامبر (۱۲ آذر) آکسیونی در پشتیبانی از اعتصابات کامیونداران و کارگران و همچنین در دفاع از زندانیان سیاسی در Sternschanze هامبورگ برگزار شد. در این آکسیون اعتراضی، رزا

## "این آخرین پیامه، اعدام کنید پیامه"

اسرائیل دستگیر و حتا اعدام کرده است. افشاگری‌های مازیار ابراهیمی پس از آزادی یک نمونه آشکار از این روش جنایتکارانه‌ی جمهوری اسلامی است. شکنجه‌گران جمهوری اسلامی او را مجبور به اعترافات تلویزیونی در مورد ترور "دانشمندان هسته‌ای" کرده بودند و حتا می‌خواستند انفجار در پایگاه موشکی مدرس (الغدیر) را به او نسبت دهند!!

بنابر این مهم است که مردم در شعارهای خود بیش از گذشته به حمایت از زندانیان سیاسی برخاسته و علیه صدور احکام اعدام مبارزه کنند. شعارهایی همچون "این آخرین پیامه، اعدام کنید قیامه" که در برخی از اعتراضات خیابانی از سوی مردم سر داده شد، باید همگانی شده و با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" پیوند خورد. مردم باید به صراحت به رژیم نشان دهند که تا چه حد بر روی اعدام عزیزان خود حساس هستند و اجازه این کار را به رژیم نخواهند داد.

اگرچه فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی برای لغو احکام اعدام زندانیان سیاسی افزایش یافته است، اما تجربه نشان داده که تنها مبارزات توده‌ها می‌تواند در دل رژیم برای اعدام زندانیان سیاسی هراس افکنده و مانع اعدام آن‌ها شود. فشارهای بین‌المللی می‌تواند تأثیر داشته باشد، اما تعیین‌کننده مبارزات توده‌هاست. توده‌ها باید به صراحت اعلام کنند که اعدام خط قرمز آن‌هاست و تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند. روزهای آینده که مصادف با ۱۶ آذر روز دانشجو است، روزهای مناسبی برای حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده‌های‌شان و علیه صدور احکام اعدام است. بدانیم که باز شدن درب‌های زندان به روی زندانیان سیاسی، گامی بزرگ در مسیر سرنگونی حکومت اسلامی خواهد بود.



پیرامون کشتار وحشیانه جمهوری اسلامی در سال ۹۸ (نیزارهای جراحی) و همچنین وضعیت اسفناک زندانیان سیاسی اهواز صحبت کرد. رفقا نصرت و همایون از جانب شورا به زبان آلمانی شرایط و موقعیت کنونی خیرش انقلابی را توضیح دادند. لازم به ذکر است متن سخنرانی در بین حاضرین و رهگذران پخش شد. در ادامه، یکی از رفقای مائوئیست آلمانی همبستگی خود را با انقلاب جاری در ایران اعلام کرد.

### شورای دفاع از مبارزات انقلابی مردم ایران \_ هامبورگ

### کمک های مالی

۳۰ فرانک  
۴۰ فرانک  
۳۰ فرانک  
۵۰ فرانک  
۵۰ فرانک

**سوئیس**  
علی اکبر صفایی فراهانی  
سیامک اسدیان (اسکندر)  
حمید اشرف  
محمد کاسه‌چی  
امیر نبوی

۲۰۰ کرون  
۲۰۰ کرون  
۲۰۰ کرون

**دانمارک**  
هوشنگ احمدی  
دکتر نریمسا  
خروش (دسامبر)

یک میلیون تومان

**ایران**  
آبان ادامه دارد

۱۰۰ یورو

**آلمان**  
توماج صالحی آزاد باید گردد!

۲۲ یورو

**فنلاند**  
بهرنگ

۱۰۰ یورو

**هلند**  
مجید

۸۰ یورو  
۱۰ پوند

**سوئد**  
مسعود رحمتی  
مسعود رحمتی



## "این آخرین پیامه، اعدام کنید قیامه"

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 999 December 2022

اسلامی چنان بی‌پروا مشغول تهیه کیفرخواست‌هایی مبتنی بر "محاربه و افساد فی‌الارض" هستند که می‌توان گفت بسیاری از دستگیرشدگان در خطر صدور چنین کیفرخواست‌هایی قرار دارند.

سعید افکاری برادر جان‌فشانده نوید افکاری، به نقل از خواهرش زندانی سیاسی الهام افکاری که هم اکنون در زندان عادل‌آباد شیراز زندانیست در توئیتر خبر داد که ده‌ها زندانی زیر ۱۸ سال در زندان عادل‌آباد هستند که به آن‌ها اتهام‌هایی مانند محاربه و افساد فی‌الارض زده‌اند.

در طول دو هفته گذشته در شهر آبدانان از توابع

در صفحه ۸

این روزها اخبار متعددی از محاکمه زندانیان سیاسی در بی‌دادگاه‌های فاسد و جنایت‌پیشه جمهوری اسلامی منتشر می‌شود. در این به‌اصطلاح دادگاه‌ها، دادستان‌های فاسد و جبار برای بسیاری از دستگیرشدگان خیزش انقلابی توده‌های ستم‌پسیده ایران، کیفرخواست‌هایی با اتهاماتی همچون "محاربه" و "افساد فی‌الارض" صادر کرده‌اند. این یعنی تهدید خانواده‌ها، مردم مبارز ایران و دستگیرشدگان شان به اعدام. این یعنی تداوم سرکوب خیزش انقلابی توده‌ها توسط رژیم که جز زور و سرنیزه، زبان دیگری نمی‌فهمد.

دادستان‌ها و بازجوهای شکنجه‌گر جمهوری



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

تلویزیون دموکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

## اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به‌وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به‌وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

**Alternative Shorai**

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی